

به مناسبت ماه پایانی سال هجری قمری

پرده برافکندن

انز برابر

پرده برافکندن از برابر چهره جان

چهره جان

• محمد تقی سرمدی

آخرین ماه سال قمری مصادف است با ایام برگزاری حج و دو رویداد تاریخ‌ساز آن که عبارتند از قربان و غدیر. در فرهنگ اسلامی عید قربان یادآور و نماد عبودیت کامل و تسلیم محض در برابر اراده‌ی خدای متعال است که توسط بنده و فرستاده‌اش حضرت ابراهیم علیه‌السلام به نمایش گذاشته شد تا درسی باشد برای همه مردم در طول تاریخ.

رویدادی که عید قربان نام گرفته را بارها و در مقاطع مختلف عمرمان شنیده و خوانده‌ایم و همگی با جزئیات آن به اندازه کافی آشنایی داریم. اما وجه مهم این رویداد آن است که تا چه اندازه این واقعه بر روند زندگی ما تأثیر گذاشته و به چه میزان در جنبه‌های مختلف آن غور و تعمق و تفکر کرده‌ایم و از این بحر معنی چه برگرفته‌ایم؟ در دنیای ماشین‌زده امروز که تعلق خاطر اغلب مردم به مادیات است و لذا بدگذرای این جهان خاکی، کم اتفاق می‌افتد که کسی به مفهوم عید قربان توجه داشته باشد. در حالی که پایه‌ای‌ترین خصلت انسان همین مفهوم است. عید قربان به معنی وانهادن همه چیزهایی است که مانع تقرب و نزدیکی انسان به ساحت قدسی و کبریایی می‌شوند. این چیزها شامل تعلقات خانوادگی، شغلی، تعاللات اجتماعی، دلبستگی‌های ریز و درشت دنیوی و حتی وجود فیزیکی خود انسان هم می‌شوند چنان که حافظ علیه‌الرحمه آن را به عبارتی تعبیر کرده که حجاب چهره جان می‌شود:

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم
خوشادمی کزین چهره پرده برفکنم

پرده برفکندن از برابر چهره جان همان مفهومی است که در عید قربان هر سال به پیروان سنت ابراهیمی (ع) یادآوری می‌شود و تنها محدود به قربانی کردن چهارپایان نیست بلکه در اصل به قربانی کردن نفس در برابر دستورات الهی نظر دارد و این آن موضوعی است که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و انگار تب و التهاب دنیاگرایی و فراموشی آموزه‌ها و مفاهیم والای چنین رویدادی گریبان جامعه انسانی را رها نمی‌کند. پس از این سنت ابراهیمی (ع)، رویداد تاریخ‌ساز دیگری در این ماه پایانی سال پژواک تاریخ بلندی دارد که از زمان وقوعش تا امروز و همیشه تاریخ به گوش همه رسیده و خواهد رسید. اعلام ولایت علی علیه‌السلام توسط پیامبر عظیم‌الشأن اسلام در آخرین حج حضرتش، به روشنی و صراحت کامل مسیر اعتلای جوامع انسانی را مشخص نموده و راه ولایت علوی را از بیراه ولایت غیر، متمایز کرد.

ارتباط این دو رویداد درست در همین نکته است که قربانی کردن نفس در برابر امر الهی در هر زمان و مکان به شکل و گونه‌ای متفاوت آشکار می‌گردد و انسان را در معرض امتحان قرار می‌دهد. در یک زمان به ابراهیم علیه‌السلام امر شد که برای رضایت خدای متعال عزیزترین داشته‌اش را قربانی کند و او نیز با صدق قلب و رضایت باطن پذیرفت؛ و در زمانی دیگر سنجش میزان ایمان افراد چنین در معرض آزمون قرار گرفت که حب جاه و مال را واگذارند و مطابق ابلاغ پیامبر صلوات‌الله علیه از علی علیه‌السلام پیروی کنند و ولایت او را گردن نهند. افسوس که در این آزمون آن مردم ره افسانه زدند و با تکیه بر پای چوبین استدلالیان تسلیم «خود» شدند به جای آنکه تسلیم خدا شوند، و ولایت نفس خود را پذیرفتند و از ولایت علی علیه‌السلام روی گرداندند. این آزمون همچنان تا قیام قائم علیه‌السلام ادامه دارد و هر یک از ما به گونه‌ای در معرض آن قرار می‌گیریم. اینکه چه راهی را برگزینیم و چه نتیجه‌ای بگیریم بسته به آن است که تا چه اندازه مفهوم این رویدادهای تاریخ‌ساز را درک کرده و همچون حافظ این را فهمیده باشیم که:

چنین قفس نه سزای چون خوش‌الحانیست
روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمن

و راه آن گلشن رضوان از قربان و غدیر می‌گذرد.